

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

یونس نگاه  
۰۵ دسمبر ۲۰۲۱



یونس نگاه

## از سخنان خوشال سادات چه می‌آموزیم؟

سخنان کامل خوشال سادات را نشنیده‌ام ولی از واکنش، نقل‌های قول و تبصره‌های طرفداران و مخالفانش پیداست که او آنچه را در دوران جمهوری اسلامی کمتر در رسانه و بسیار در مجالس خصوصی گفته می‌شد تکرار کرده است. بیشتر قدرت‌مندان و صاحب‌منصبان آن وقت از این جهت شبیه هم بودند که مسایل کشور را مثل یک آدم بدوی باتوجه به علایق و منافع شخصی خود تحلیل می‌کردند. بزرگان حاضر نبودند لحظه‌ای از خود غریزی‌شان دور شده با آرامش سیاست‌مدارانه به مسایل وطن نگاه کنند.

درین روش هر سیاست‌مدار، جنرال، وزیر و رئیس صاحب صلاحیت تأیید می‌کرد که وطن دچار بحران است و ما به سمت درست نمی‌رویم، آن وقت انگشت اتهام را به‌تدریج به کسان، نهادها، گروه‌ها، اقوام و کشورهایی که از او دور بودند {دیگر حساب می‌شدند} دراز می‌کرد. افغانستان ذهن سیاست‌مداران و قدرت‌مندان جمهوری اسلامی پر از دشمن بود و لایه لایه بیگانه در آن مصروف بربادی خوانده می‌شدند. در هسته هریکی ازین لایه‌ها یک آدم خوب، بعد به تدریج جمعی از دوستان خوب، یک قبیله و منطقه خوب و یک قوم خوب قرار داشت. هرچه از "من" آن فرد دور می‌شد دشمن‌تر، مخرب‌تر و مضرتر جلوه می‌کرد.

خوشال سادات ذهنیتی را که در جمهوری اسلامی کسب کرده بود، در جمعی از خارجی‌ها به میان گذاشته است و خودی‌ها و دیگرانش را از تونلی که او در آن زندگی می‌کند نشان داده است. به‌جای دشنام به سادات ببانید به یاد بیاوریم که اکثریت بزرگان و صاحب‌صلاحیت‌های وطن در بیست سال گذشته تونل‌دار بودند و روایت‌های خود و بیگانه‌شان کشور را به جنگل درندگان تبدیل کرده بود.

خوشال سادات تفکیک "من" و دیگری خود را از سطح پوست بدنش شروع می‌کند و می‌گوید شخص دیگری که هستیم، هم‌زبان، هم‌قوم و هم‌کارم بود مسوول ویرانی است. او محب است. محب غیر ازین که در پوست تن خوشال سادات نمی‌گنجد و نمی‌تواند بی‌کم‌وکاست "من" او شود، دیگر در تمام موارد کاپی اوست. اما او دیگر است. درین لایه "من"

که خوشال سادات باشد بحق و دیگری که محب باشد مقصر است. او روایت کرده است که چون من شخصی‌اش صلاحیت کمتر داشت و در برابرش کارشکنی می‌شد، وطن خراب شد.

لایه دوم تفکیک خودی در سطح قبیله است. تیم غنی که من تیمی و قبیله ئی خوشال سادات است بحق و تیم کرزی که بیگانه اوست، مقصر پنداشته می‌شود. او می‌گوید چون من قبیله ئی‌اش صلاحیت کمتر داشت، دیگری خراب کرد.

لایه سوم تفکیک خودی و دیگری در سطح قومی و زبانی است. درین جا پشتون‌ها خودی و غیرپشتون‌ها به خصوص تاجیک‌ها بیگانه و مقصر اصلی خرابی تصویر می‌شوند. او می‌گوید از آن جایی که من قومی‌ام در قدرت کمتر بود، وطن خراب شد.

در این نوشته نام خوشال را بردارید و سیاست‌مدار، نظامی، آدم باصلاحیت و صاحب‌نام دیگری (مثلاً مرادعلی مراد، بسم الله محمدی، نظام الدین قیصاری) را از جمهوری اسلامی بگذارید، متوجه خواهید شد که چطور یک نفر قهرمان در مرکز و دیگران قبیله ئی، قومی، زبانی و ملی تخریب‌گر در اطرافش شکل می‌گیرند.

این طرز دید طبیعی اما بسیار بدوی و حیوانی است. چشم‌هایی که این‌طور به مسایل کشور نگاه می‌کنند در سیاست از مرحله غرایز حیوانی فراتر نرفته‌اند و شبیه حیوان شکاری به مسایل سیاسی می‌بینند و نفع را در سرکوب و حذف دیگران خلاصه می‌کنند. حاصل سیاست این گروه از سیاست‌مداران همان جنگلی می‌شود که در اوایل دهه سیزده هفتاد شکل گرفت، زندانی می‌شود که در دور اول طالبان ساخته شد، گرگستانی می‌شود که در جمهوری اسلامی ساخته بودند و قحطستانی که امروز در دور دوم طالبان در حال شکل‌گیری است.